

از جرم یقه‌سفیدی تا جرم اقتصادی

مطالعات اولیه جرم‌شناسان (جرائم شناسی تحقیقی)، به طور کلی، با این فرضیه انجام شد که جرم حاصل فقر اقتصادی، فرهنگی یا اختلالات زیستی - روانی افراد است و مجرمان با انسان‌های همنوا با قانون تفاوت دارند و در این میان فقر عامل اجتماعی تعیین‌کننده در ارتکاب جرم است. بنابراین اشخاص دار، توانمند و صاحب قدرت مرتكب جرم نمی‌شوند، بلکه در واقع قربانیان اصلی بزهکاران هستند.

در آغاز سده بیستم، جرم‌شناسان طرفدار رویکرد مارکسیستی، در مقام نقد این مطالعات برآمدند و مشکلات مادی - فرهنگی حاکم در جوامع را پیامد اجتناب‌ناپذیر بهره‌کشی اقتصادی اقلیت سرمایه‌دار و قدرت‌مدار از اکثریت مردم دانسته و به فقر و آثار مجرمانه آن جنبه ایدئولوژیک دادند. به نظر آنان، شکاف طبقاتی و تکاثر ثروت و قدرت در دست اقلیتی از اعضای جامعه منجر به توزیع ناعادلانه موقعیت‌ها و امکانات مادی - اجتماعی می‌شود و بدین ترتیب، اکثریت مردم محروم شده از قدرت و ثروت در مقام اعتراض به شرایط تحملی چنین نظام اجتماعی، به رفتارها و گفتارهایی متولسل می‌شوند که نظام کیفری حاکم و غالب، آن‌ها را جرم‌انگاری کرده است. بزهکاری، در چنین شرایطی به عنوان نوعی مقاومت و مبارزه علیه بی‌عدالتی‌های اجتماعی توجیه می‌شود و حقوق کیفری حامی منافع طبقه حاکم تلقی می‌گردد. بر اساس این دیدگاه با فروپاشی چنین نظام اقتصادی - اجتماعی طبقاتی است که بزهکاری هم از میان خواهد رفت. بدین‌سان، از نظر جرم‌شناسان مارکسیست، اقتصاد به عنوان زیربنای جامعه سرمایه‌داری و در نتیجه طبقاتی، به بزهکاری و حقوق کیفری شکل و جهت می‌دهد.

ادوین ساترلن، در اواسط سده بیستم، پس از مطالعه جرم‌شناسخانه بزهکاری چند بنگاه، شرکت و مؤسسه اقتصادی، مالی، تولیدی، خدماتی و بانکی آمریکایی به این

به عنوان نمونه، مرتكب سرقت یا کلاهبرداری می‌شوند، یقه سفیدها به ارتکاب اختلاس، رشا و ارتشاء، تقلبات مالیاتی و گمرکی، پولشویی، جرایم علیه مصرف‌کننده، رویه‌های ضد رقابتی، جرایم مرتبط با کسب و کار و... روی می‌آورند.

ادوین ساترلن، ده سال بعد از سخنرانی خود، بخشی از نتایج پژوهشها و مقالات خود در حوزه جرایم شغلی اشخاص حقوقی و حقیقی «قابل احترام» را که به لحاظ آراستگی ظاهری رایج در این طبقه در کشورهای غربی، «یقه سفیدها» نامید، در کتابی با عنوان «جرائم یقه‌سفیدی» در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸ خورشیدی) منتشر کرد. لیکن نویسنده، خود، به لحاظ حساسیت‌های سیاسی - اقتصادی‌ای که نتایج تحقیقات او در جامعه آن وقت آمریکا بر می‌انگیخت، همه دستاوردهای پژوهشی خود را در ویراست نخست عرضه نکرد. ویراست دوم این اثر که سی سال پس از مرگ او در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ خورشیدی) منتشر شد، در واقع نسخه کامل نتایج مطالعات و پژوهش‌های ساترلن درباره «بزهکاری یقه سفیدها» است که به نکات جالبی در تحلیل جرم‌شناسی این بزهکاری می‌پردازد. به نظر ساترلن جرایم یقه سفیدها: - مطالعه شده، از روی آگاهی و سازمان یافته به وقوع می‌پیوندد، - چگونگی تکوین این جرایم با پیدایش سایر جرایم یکی است، بدین معنا که جرایم یقه‌سفیدی کسب و کار در قالب خود فرهنگ رایج بین یقه سفیدها، میان مرتكبان رد و بدل و منتقل می‌شود (نظریه معاشرتها یا همنشینی‌های ترجیحی) و به یک رویه معمول میان آن‌ها تبدیل می‌گردد، چنانکه رفتارهای نامشروع یا مجرمانه را لوازم کسب و کار خود و در نتیجه بهنجار تلقی می‌کنند و بدین سان است که در نهایت زمینه ارتکاب آن‌ها مساعد می‌شود، - و سرانجام، به عقیده ساترلن، نوسان‌های کمی و کیفی جرایم یقه‌سفیدی ارتکابی توسط بنگاهها، مؤسسات یا مدیران و صاحبان آن‌ها به موقعیت و جایگاه آن‌ها در ساختار اقتصادی جامعه بستگی دارد. تبیین جرم‌شناسی جرم یقه‌سفیدی، ساترلن را به نظریه بی‌سامانی یا بی‌سازمانی اجتماعی نیز هدایت کرد که به موجب آن، بزهکاری کسب و کار ممکن است نتیجه نوعی آشفتگی و درهم‌ریختگی نظام اقتصادی و محیط‌های

نتیجه رسید که ارتکاب جرم و تکرار جرم در فرایند فعالیت‌های این اشخاص و مدیران و صاحبان آنها، در واقع امری رایج است، لیکن به لحاظ گونه و شیوه ارتکاب جرم، سیاست‌های مساعدت و اغماض آمیز نهادهای پلیسی - قضایی - صنفی در قبال آنان، روان‌شناسی این افراد که در خویشتن خویش، خود را مجرم یا ناقض قانون تلقی نمی‌کنند و بنابراین در سطح جامعه و در برابر عدالت کیفری رفتار و واکنش عادی از خود نشان می‌دهند و بالاخره به لحاظ عدم حساسیت مشتریان و مصرف‌کنندگان و به طور کلی افکار عمومی نسبت به این طبقه از جامعه، یا شاکی ندارد یا کمتر کشف می‌شود و یا در مراجع قضایی - صنفی کمتر محکوم می‌گردد و در نهایت در آمار جنایی اثر اندکی از بزهکاری ظاهری و قضایی آن‌ها به چشم می‌خورد. ساترلن نتایج تحقیقات میدانی خود را در سال ۱۹۳۹ (۱۳۱۸ خورشیدی) به صورت سخنرانی در انجمان جامعه‌شناسی آمریکا به اطلاع اعضاء رسانید و به این مناسبت مفهوم جرم یقه‌سفیدی، جرم افراد یقه‌سفید یا جرم یقه‌سفیدها را برای نخستین بار در حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی مطرح کرد و هم‌مان توجه همکاران خود را به جرایم شغلی و حرفه‌ای افراد مُرّفه و متعلق به طبقه بالای جامعه - که در مطالعات اولیه جرم‌شناسی، بیشتر بزهکاری طبقات پایین محسوب می‌شدند - جلب نمود. طرح این مفهوم توسط ساترلن، دارای همان اثری برای گسترش افق جرم‌شناسی بود که کتاب مرد بزهکار دکتر لومبروزو (۱۸۷۶ برابر با ۱۲۵۵ خورشیدی) برای تولد جرم‌شناسی علمی داشت. رویکرد در واقع انتقادی ساترلن نسبت به جرم‌شناسی تحقیقی^۱ که بر خلاف رویکرد انتقادی مارکسیستی عاری از ملاحظات ایدئولوژیک بود، جرم را خاص طبقه فقیر، زحمتکش و کارگر (که به لحاظ استفاده از لباس کار آبی رنگ در کشورهای صنعتی، یقه آبی‌ها نام گرفتند) و افراد نامتعادل روانی و ناسازگار اجتماعی نمی‌دانست، بلکه معتقد بود افراد «محترم» و متعلق به «طبقه بالای جامعه» نیز از موقعیت کاری خود و به مناسبت و در جریان شغل و فعالیت حرفه‌ای خود برای ارتکاب جرایم مرتبط یا ناشی از این فعالیت‌های قانونی استفاده می‌کنند. اگر یقه آبی‌ها،

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم (دیباچه ویراست دوم) در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌یکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، ویراست دوم، انتشارات گنج دانش، زمستان ۱۳۹۰.

فعالیت دولتی ارتکاب پیدا می‌کند، - نقض اعتماد را ایجاب می‌کند، - مبتنی بر توسل به زور بازو نیست (بیشتر تزویرآمیز است)، - مرتكب آن، هدف کسب پول، اموال، قدرت یا وجهه^۱ را از طریق نقض اخلاقیات حرفه‌ای (مقررات و گذهای رفتاری یا رفتارنامه‌های اخلاقی کسب و کار^۲ و قوانین و مقررات دنبال می‌کند.

آموزش و پژوهش در حوزه بزهکاری اقتصادی از منظر جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی در ایران حدود پنج سال است که توجه بعضی دانشگاهیان (استادان و دانشجویان) را به طور اختصاصی به خود جلب کرده است.^۳ حساسیت دولتمردان، سیاست‌مداران و افکار عمومی نگران، به دنبال افزایش و گسترش کمی و کیفی این جرایم (منفاسد یا فساد اقتصادی - اداری) در سالهای اخیر، تحقیقات جرم‌شناختی مستقل را پیش از پیش ضروری و توجیه نموده است.

با توجه به بالا بودن رقم سیاه بزهکاری اقتصادی و نسبی بودن کارایی سرکوبی کفری - پلیسی - امنیتی بزهکاران اقتصادی که به نوعی با مراکز قدرت و تصمیم‌گیری هم ارتباط دارند و بنابراین ممکن است از رانت‌های سیاسی - اجتماعی برخوردار شوند، نتایج و راهکارهای این تحقیقات جرم‌شناختی می‌تواند برای بازیبینی سیاست جنایی تقنیّی و قضایی مفید واقع شود.

در چنین بستر و شرایطی، اثر پیش رو که به قلم توانمند همکار محترم آقای دکتر اسماعیل رحیمی نژاد به فارسی برگردانده شده است، ضمن این‌که نوشتگان فارسی جرم‌شناسی اقتصادی را غنی می‌کند، می‌تواند از نظر تطبیقی برای تصمیم‌گیران سیاست

1. Lopez, G. et Tzitzis, S., op.cit., p.203

2. Code of business ethics.

۳. به عنوان نمونه رک. گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، برگردان شهرام ابراهیمی، نشر میزان، سال ۱۳۸۹؛ مهدوی‌پور، اعظم، سیاست کفری افترقی در قلمرو بزمکاری اقتصادی، نشر میزان، سال ۱۳۹۰؛ رایجیان اصلی، مهرداد، جرم‌انگاری سوء استفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق کفری، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، اسفند ۱۳۸۵؛ دادخواهی، لیلا، فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، نشر میزان، سال ۱۳۹۰؛ یاری حاج عطالو رحیم، بررسی ابعاد جرم‌شناختی جرم بقه سفیدها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال ۱۳۸۷.

کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی باشد که نیاز به اصلاح و مداخله انتظامی خشی دولت دارد^۴ (نوعی آنومی اقتصادی).

جرائم یقه‌سفیدی که در عصر خود هم نقدهای زیادی را بین جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان برانگیخت، پس از هفتاد سال، امروزه، به لحاظ جهانی شدن اقتصاد، متنوع شدن گونه‌های کسب و کار، الکترونیکی و مجازی شدن تجارت و فعالیت‌های اقتصادی، ظهور قدرت‌های نوظهور اقتصادی خارج از حلقة کشورهای غربی (مانند چین، هند، کره جنوبی و بربزیل)، گسترش کمی و کیفی اشخاص حقوقی به عنوان کنشگران ملی - بین‌المللی نظام اقتصادی و «دموکراتیزه‌تر» شدن توزیع ثروت و قدرت اقتصادی بین اقسام و طبقات جامعه، از یکسو و بین کشورهای شمال و جنوب، از سوی دیگر، معنا و مفهوم خود را از دست داده است. بزهکاری اقتصادی دیگر لزوماً متعلق به طبقه بالا و از نظر اجتماعی محترم و مقبول نیست، جرم اقتصادی خاص کشورهای غربی و سرمایه‌داری نیست و... به همین جهت جرم‌شناسان امروزی بیش از پیش مفاهیمی چون جرایم سازمانی - شغلی،^۵ جرم‌اقتصادی، جرایم کسب و کار،^۶ جرایم ناشی از سوء استفاده از اعتماد^۷ که مبنای کسب و کار و داد و ستد محسوب می‌شود، جرایم ناشی از سوء استفاده از قدرت اقتصادی،^۸ جرایم ناشی از سوء استفاده از موقعیت،^۹ جرایم شرکت‌ها (اشخاص حقوقی)^{۱۰} استفاده می‌کنند و به جای تکیه بر ویژگی‌های مرتكبان چنین جرایمی، نوع فعالیت اقتصادی و کسب و کار را برای نام‌گذاری و تحلیل‌های جرم‌شناختی رفتار و فعل مادی مجرمانه معیار قرار می‌دهند. بدین ترتیب، برای عده‌ای از جرم‌شناسان، جرم اقتصادی فعل یا ترک فعلی است که: - در چارچوب و به مناسب انجام فعالیت‌های شغلی مشروع یا در بستر یک برنامه و

1. Lopez, G. et Tzitzis, S. (Dir), Dictionnaire Sciences Criminelles, Dalloz, 2004, P.203

2. Occupational and Organizational Crimes.

3. Business Crimes .

4. Abuse of trust crimes.

5. Abuse of economic power crimes.

6. Abuse of position crimes.

7. Corporate crimes.

جنایی نیز مفید واقع شود. نویسنده‌گان جرایم یقه‌سفیدی: رویکردی فرصت مدار، طی نه فصل، جنبه‌های مختلف مفهوم بزهکاری یقه‌سفیدها و تحولات آن را در پنجاه سال اخیر بررسی کرده‌اند و در بخش پیوست کتاب، چند پرونده کیفری و ملاحظات جرم‌شناسانه مربوط به بزهکاران یقه‌سفید را برای درک عملی موضوع آورده‌اند.

از آقای دکتر رحیمی‌نژاد که در دوران دانشجویی هم اهل پژوهش و نگارش (ترجمه - تألیف مقاله) بودند و آثار دیگری هم در سالهای اخیر از ایشان به زیور چاپ آراسته شده است،^۱ برای انتخاب موضوع مناسب جامعه علمی و کنشگران قضایی - پلیسی و نیز برگردان خوب آن به فارسی صمیمانه قدردانی می‌نماییم.

علی‌حسین نجفی ابرندآبادی

تهران، ۵ مرداد ۱۳۹۱ خورشیدی

۱. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، جرم‌شناسی، انتشارات فروزش، تبریز، چاپ نخست، سال ۱۳۸۸، کرامت انسانی در حقوق کیفری، نشر میزان، سال ۱۳۸۷.